

هدف ما پررنگ‌تر کردن سینمای توحیدی است

■ میلاد جلیل‌زاده

یک سرهنگ اداره آگاهی که نام حسن کارخانه در آستانه آن‌قا به درجه ریاست‌دار خودش، به طور تصادفی از موضوع یک آدم‌ربایی و قتل مطلع می‌شود. او مشکلی دارد که باعث شده است چند وقت نتواند بخوابد و رقبی‌ی در همان اداره هست که با گزارش دادن این موضوع، ظاهراً تلاش می‌کند مانع ریاست کارخانه بر این اداره شود. این مسئله باعث می‌شود بر خورد تصادفی حسن کارخانه با سر نخ اصلی آن پرونده آدم‌ربایی و قتل، توهما ت بی‌خوابی‌اش تلقی شوند اما سرهنگ کارخانه دست‌بردار نیست و به کمک دوستان بسیجی‌اش تلاش می‌کند را از این موضوع را کشف کند و فردی را که روده شده است، نجات دهد. «غوطه‌ور» نخستین فیلم بلند داستانی از محمدجواد حکمی است؛ فیلمسازی که قبلاً در جشنواره فیلم کوتاه تهران هم برنده جوایزی شده بود و لباس روحانیت بر تن دارد. غوطه‌ور یکسری آسیب‌های اجتماعی را بدون اینکه به شکل گل‌درشت روی آنها تأکید نیست؛ در قالب یک داستان معمایی – جنایی مطرح و از این جهت در همان مسیری حرکت می‌کند که تا سال‌ها گفته می‌شد یکی از راه‌های درست تأثیرگذاری روی جامعه است؛ ورود به ذهن مردم از راه سرگرمی. در ادامه گفت‌وگو‌ی ما با محمدجواد حکمی را می‌خوانید که از یک سو درباره ابعاد مختلف فیلم غوطه‌ور است و از سوی دیگر به مسئله حضور یک شخصیت روحانی در سینمای ایران توجه دارد.

■ ■ ■

آقای حکمی فیلم شما از نخستین گام‌های جدی در ساخت یک داستان پلیسی کاملاً ایرانی بود، یعنی عناصری در این داستان هست که فقط می‌تواند در ایران اتفاق بیفتد و اگر آنها را از فیلم بیرون بکشیم، چیزی از آن باقی نمی‌ماند و قصه به هم می‌ریزد. مثلاً همکاری آن سرهنگ (سرهنگ کارخانه) با نیروهای بسیجی، این اصلاً در رونو روایت تأثیر دارد و کاملاً ایرانی است. اینکه یک نیروی مردمی می‌تواند با پلیس هماهنگ باشد، کاملاً در ایران اتفاق می‌افتد. از طرفی شباهت‌هایی هم به فیلم‌های خارجی داشتید. اجازه دهید این سؤال کلیشه‌ای همیشگی را این‌جا جدی‌تر و عمیق‌تر ببریم؛ اصلاً ایده فیلم را از کجا آوردید؟

«غوطه‌ور» یک فیلم جنایی- اجتماعی است که بر اساس یک دغدغه اجتماعی و یک چالش اجتماعی نوشته و ساخته شده است؛ دغدغه‌ای که همه ما با آن مواجه هستیم و مربوط به سبک زندگی است. این دغدغه، چیزی است که تلاش کردیم به مخاطبان خودمان برسانیم. ما تلاش‌مان را کردیم که به فیلم سینمایی ژانر نزدیک‌تر شویم و به اصطلاح سینمای ژانر را در حد خودمان احیا کنیم. در ابتدا، فیلم «غوطه‌ور» تلاش دارد یک فیلم سرگرم‌کننده به نظر برسد؛ فیلمی که مخاطبش را از ابتدا تا پایان، روی صندلی یک‌ساعت‌تونیم بنشاند و او را دعوت کند به تماشا و ادامه دادن تا انتها و در انتها، هدف ما از ساختن این فیلم، دعوت به تفکر و اندیشه درباره سبک زندگی است. ما یک سبب و سببسی را در فیلم به نمایش می‌گذاریم که انتخابش به عهده مخاطب است که چه تصمیمی بگیرد و چه جور با این قصه برخورد کند. ما در این فیلم هیچ‌وقت نگوئیم چقدر این آسیب اجتماعی – که به ویژه در واقع یک بحران جنسی است – در جامعه زیاد است یا کم. بحث کمی نکردیم و بحث ما مصداق نیست. بحث ما اهمیت موضوع است که این بحران جنسی می‌تواند یک تهدید برای اجتماع باشد و بهتر است که آسیب‌هایش را بشناسیم و نگاه آسیب‌شناسانه‌ای نسبت به این موضوع داشته باشیم.

اگر کاراکتر قاتل و آدم‌ربا در فیلم شما مرد بود، کارتان شباهت خیلی زیادی به آن فیلم کراهی

پویانمایی

تهیه‌کننده انیمیشن سینمایی «نگهبانان خورشید» به روند رو به رشد صنعت انیمیشن پرداخت و گفت: **با نگاه به بوم ایران**، انیمیشن جهانی می‌سازیم. مهدی جعفری جوزانی، تهیه‌کننده انیمیشن سینمایی «نگهبانان خورشید» با اشاره به روند روبه‌شد جایگاه انیمیشن در جشنواره فیلم فجر و تأثیر این جشنواره بر صنعت پویانمایی کشور اظهار داشت: نگاه جشنواره فیلم فجر نسبت به انیمیشن تغییراتی مثبت داشته است و خوشبختانه هر سال شاهد بهبود شرایط برای این صنعت در کشور هستیم.

او با اشاره به تجربه هر دو سال پیش در جشنواره فجر که در آن برای نخستین بار انیمیشن‌ها به رقابت در بخش‌های مختلف جشنواره وارد شدند، اظهار داشت: دو سال پیش که انیمیشن «بیمی قهرمان» در جشنواره فجر به نمایش درآمد، حتی این انیمیشن که موفق به دریافت دیپلم افتخار شد، نشانه‌ای از توجه به انیمیشن در جشنواره بود، اما سال گذشته شرایط بهتر شد و انیمیشن‌ها‌ن تنها در بخش‌های اختصاصی انیمیشن، بلکه در بخش‌های دیگر مانند موسیقی و جلوه‌های ویژه هم نامزد دریافت جوایز شدند. این نشان می‌دهد شرایط سال به سال بهتر می‌شود.

وی همچنین عنوان کرد: در جشنواره فجر امسال، انیمیشن سینمایی «نگهبانان خورشید» که به عنوان

«تقدیب‌کننده» پیدا می‌کرد اما همین تغییر کوچک، بنیان خیلی چیزها را عوض کرده. آن فیلم هم اتفاقاً مضامین اخلاقی خودش را دارد، اما یک چیز دیگر است؛ چه شد به سمت همین کاراکتر، با این درونما به انحراف جنسی رفتید؟

هدف ما برای ساختن این فیلم، ساختن یک فیلم جنایی یا پلیسی نبود، یعنی آن چیزی که ما را واداشت این فیلم را بسازیم، کاراکتر «ماهک» و دغدغه ما مطرح کردن این موضوع با مخاطب بود و ایجاد توجه نسبت به آسیب‌هایی که نسبت به زنان و دختران جامعه، به ویژه در آن طیف سنی هست اما هر قصه‌ای، هر کاراکتری یا بهتر بگوییم هر قهرمانی، جهان خودش را دارد. ما برای اینکه این جهان تبدیل شود به جهانی که مخاطب سینمایی ایران باور و قبولش بکند، باید این دغدغه‌مان را با یکی از ژانرهای که جنایی – پلیسی است، تلفیق می‌کردیم و مخاطب ایران هم آن را دوست دارد و دنبال می‌کند. همیشه پرونده‌های جنایی جذاب بوده، همیشه مستندها در این راستا برای مخاطبان جذاب و جالب بوده‌اند. سعی کردیم مضامین‌مان را با ژانر جنایی تلفیق کنیم تا حرفی که می‌زنیم گل‌درشت نباشد، به همین خاطر ما کاراکتری را که قصه از آن روایت می‌شود، بردیم سمت «حسن کارخانه» و کارگاه قصه‌مان تا اینکه بخواییم از سمت ماهک قصه را روایت کنیم.

سینمای ما در سال‌های اخیر مرتب مأمورانی را نشان می‌دهد که فراتر از وظایف اداری، حتی حاضرند برای خودشان دردسر درست کنند اما دنبال احقاق حق یک یا چیزی که حق می‌دانند، بروند؛ از «لباس شخصی» و «مصلحت» که به اوایل دهه ۶۰ مربوط می‌شوند بزند چطور؟

من چند فکر نمی‌کنم که حالا برداشت اینچنینی از فیلم بشود. اگر کسی چنین برداشتی کند – که همه برداشت‌ها واقعاً محترم هستند– برداشت شخصی خودش است اما نه اینکه لزوماً تطابق با قصد ما داشته باشد. اینکه فکر کنیم همه جا کار



افتتاحیه جشنواره انتخاب شده، نشانه‌ای از توجه بیشتر جشنواره به صنعت انیمیشن است. «با انتخاب «نگهبانان خورشید» به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره فجر، این نکته مشخص می‌شود که جشنواره به انیمیشن اهمیت زیادی می‌دهد و این یک گام مثبت برای این صنعت است.»

جعفری جوزانی همچنین به موفقیت‌های بین‌المللی انیمیشن‌های ایرانی اشاره کرد و گفت: «انیمیشن

ضدساختار جواب می‌دهد، قطعاً غلط است. به هر حال ما یک قانون داریم که آن قانون را عقلای جامعه تصویب کرده‌اند. یکسری آدم‌های خیره که نسبت به محیط آگاهی کامل دارند، نشسته و قانونی وضع کرده‌اند و تبعیت از آن قطعاً هم واجب شرعی است و هم تکلیف اجتماعی اما در بعضی موارد به خاطر ضعف قانون، گاهی باید «آتش به اختیار» عمل کرد. اقصا سر مختلف جامعه و مردم ه آنجایی که آدم احساس تکلیف می‌کند، دیگر اصلاً حجت شرعی می‌شود برایش، باید کار درست را انجام دهید. خیلی جاها هم دارد از قانون جلو می‌زند، مثلاً شما دارید موقع رانندگی دنده عقب می‌آید و می‌زنید به ماشین پشت‌سر. اگر افسر بیاید، ماشین عقبی را مقصر می‌دانند، مگر اینکه خود شما اقرار کنید که «آقا من دنده عقب آدمم» و گر نه آن کس که از پشت می‌زند، همیشه مقصر است. اینجمن نمی‌توانم اکتفا کنم به قانون. مسئله وجدان است؛ هر کسی در درون خودش می‌داند که چه خیر است و چه کارهایی انجام شده. به هر حال قانون یک آیین‌نامه‌ای است که ۹۵–۹۰ درصد یا ۹۹ درصد موارد طبق ضوابط کلی در دست‌عمر عمل می‌کند. خیلی طبیعی است که در ۱۰ درصد یا یک‌درصد هم به خاطر شرایط خاص خطا داشته باشد و موردی که کارخانه به آن برخورد هم جزو همان یک‌درصد یا ۱۰ درصدی است که قانون در آن جواب نمی‌دهد و سعی می‌کند قانون را دور بزند اما می‌گویم این هم خیلی کاملاً شخصی و درونی در کاراکتر نهادینه شده است.

حالا در باره ماهک صحبت کنیم. به نظر شما چقدر فکر می‌کنید وجود چنین عارضه و چنین مسئله‌ای در جامعه ما عمومیت دارد؟ چون یک دیالوگی هم در فیلم هست که می‌گوید «اگر قرار باشد به این جرم کسی را بگیریم، نصف مردم این شهر را باید بگیریم». البته شخصیت اصلی نیست که این را می‌گوید.

این حرف درباره کثرت مصدایق ماهک صحبت نمی‌کند، بلکه درباره اهمیتش صحبت می‌کند؛ درباره سبب و مسبب‌هایی صحبت می‌کند که باعث شده است ماهک به وجود بیاید که مهم‌ترین عنصر در به‌وجود آمدن ماهک، خانواده است. خانواده خیلی نقش مهمی در تربیت آدم‌ها دارد. نبود خانواده و یله و رها بودن فرد در این جامعه فعلی، آسیب‌هایی را رقم می‌زند که می‌تواند مخاطرات جدی برای نسل بعدی داشته باشد. واقعاً نسل بعدی در خطر است. از این جهت، فیلم درباره اهمیت خانواده و سبک زندگی حرف می‌زند، نه در مورد همجنس‌گرایی.

ممکن است درباره کاراکتر ماهک گفته شود آنچه انجام می‌دهد تقصیر خودش نیست، یک اختلال روانی دارد.

مسئله، روانی نیست. بیماری‌های جسمی و روانی دو مدل دارند: یک موقع ریشه در ژنتیک و ارث و یک موقع ریشه در سبک زندگی دارند. اینکه مثلاً درباره بیماری دیابت می‌گوییم دو مدل است؛ یا دیابت ارثی است یا در اثر سبک زندگی است. من اگر به هر شیرینی و شکری «نه» نگویم، معلوم است که مثلاً ۱۰ سال دیگر دچار بیماری قند می‌شوم. ما در فیلم یک نوع بیماری را نشان می‌دهیم که آدم سالم دچار آن شده و این هم فقط و فقط به خاطر سبک زندگی غلط و غیراسلامی است.

آقای حکمی! یکی از جذاب‌ترین و جنجالی‌ترین سبزه‌های سینمای ایران معمولاً زیست‌طلبه‌ها بوده اما شما نخستین فیلم‌تان را درباره موضوع جنجالی دیگری یعنی نیروی پلیس ساختید که حالا ما

فرماندهای

جعفری جوزانی، تهیه‌کننده انیمیشن سینمایی «نگهبانانِ خورشید»:

با نگاه به بوم ایران، انیمیشن جهانی می‌سازیم

می‌دانیم دردسر دارد. معمولاً با پلیس کار کردن سخت‌تر است؟

نه، اتفاقاً. واقعاً ناجا (نیروی محترم انتظامی) و به ویژه ارگان و مؤسسه‌ای که متولی این هم است، یعنی «ناجی‌هنر» خیلی با ما همراهی و به اصطلاح کمک کردند که این فیلم ساخته شود و اگر کمک ناجی‌هنر نبود، این پروژه اصلاً ساخته نمی‌شد. ناجی‌هنر به ما این جسارت را داد تا بتوانیم پلیسی را به تصویر بکشیم که برای مخاطب آشناست. حالا، فارغ از قهرمان بودن یا نبودنش طبق خواش‌های مختلفی که از فیلم شده است، ما یک پلیس کاملاً آشنا با مخاطب را به تصویر می‌کشیم که برای مردم بیگانه نیست و این با کمک ناجی‌هنر بود. من هم از ایشان تشکر می‌کنم؛ از مدیرعامل ناجی‌هنر و بقیه اعضا و دوستان دست‌اندر کار در این مؤسسه.

با توجه به شرایط اجتماعی امروز ما، یک فیلم تلخ و پراسترس چقدر می‌تواند با مخاطبش ارتباط برقرار کند؟

این بستگی به مخاطب دارد. من ندیدم مخاطبان ناراضی از سالن بیرون بروند. فیلم به لحاظ مضمونی تلخ نیست، چون قهرمان به هدف خودش می‌رسد و این چیزی است که فکر می‌کنم مخاطب از آن راضی باشد. قهرمان در طول فیلم برای رسیدن به یک چیزی تلاش می‌کند که در نهایت به آن چیز می‌رسد. اما درباره استرس، ویژگی ژانر جنایی این است که همراه با تعلیق و استرس باشد. اگر استرسی به مخاطب رسیده، یعنی فیلم دارد کار می‌کند و اگر نرسیده، یعنی به اصطلاح کار نمی‌کند. خدا را شکر اگر شما استرس گرفتید، این یعنی فیلم «لحظه» داشته.

اجازه دهید من به صراحت این اعتمادبه‌نفس شما را تحسین کنم که با لباس روحانیت به عنوان کارگردان فیلم مقابل رسانه‌ها آمدید. فکر می‌کنم این‌ کار یک اعتمادبه‌نفس به آدم‌های این شکلی بدهد.

من در جشنواره فیلم کوتاه تهران هم که جایزه گرفتم، با لباس روحانیت رفتم و بقیه باید راه برای‌شان نسبت به این مسئله هموار شود. حالا یکی طلبه است، یکی با لباس و یکی بی لباس. اتفاقات خیلی زیادی من می‌شنوم از این ماجرا که مثلاً کسی سر صحنه نمازش قضا شده چون خجالت می‌کشیده جلوی بازگیش نماز بخواند. ما سعی می‌کنیم آدم‌ها راحت با آنچه هستند کنار بیایند. آدم‌ها بفهمند ما طلبه‌ایم، ما مسلمانیم، با نامحرم دست نمی‌دهیم، نماز اول وقت می‌خوانیم، اعتقادات خودمان را داریم، با شما هم کار می‌کنیم، خیلی هم به هم احترام می‌گذاریم. واقعیتش این است که ما نباید از مؤلفه‌های خودمان در سینما خیلی دست بکشیم.

یعنی تلاش‌هایی برای سالم‌سازی پشت‌صحنه سینما هم می‌کنید؟

هدف ما این است واقعاً یک تشکیلاتی راه بیفتد و سینمای توحیدی را که اقاً مرتضی آوینی قبل از ما راه‌اندازی کرده، بتوانیم دوباره پررنگ‌تر کنیم و حداقل به تماشای مخاطب برسانیم.

ممکن است خیلی‌ها فکر کنند وقتی یک شخصیت روحانی بخواد فیلم بسازد، آزادی عمل بیشتری نسبت به افراد عادی دارد. فیلم ساختن درباره چنین موضوع حساسی توانی هم داشته است، آیا واقعاً شما خیلی راحت‌تر بودید؟

نه، راتی در کار نبود. من خودم را سانسور نکردم و اعتقاد دارم انسان درباره هر موضوعی می‌تواند فیلم بسازد اما پرداخت خیلی مهم است. پرداخت باید با ترویج خشونت یا ترویج فساد نباشد. خود قرآن هم قصه‌های مختلفی از انبیاء(ص) در موضوعات مختلف روایت کرده، ولی قصه‌ها کاملاً در چارچوب حیا، بدون ترویج فساد یا خشونت بیان شده است و این موضوع نشان می‌دهد قرآن به ما الگو می‌دهد. درباره موضوعات مختلف می‌توانیم صحبت کنیم ولی در چارچوب، با پرداخت و نگاه درست.



مسئله‌سازی

به جای مسئله‌یابی!

ناتوانی سینمای ایران

در پرداخت صحیح به موضوعات اجتماعی

چند روزی از اظهارات سید زمانیان، کارگردان فیلم «آرام‌بخش» مبنی بر انصراف از شرکت فیلمش در بخش مسابقه جشنواره فجر ۱۴۰۴ نمی‌گذرد که در روز ابتدایی آکران‌های فصر، مخاطبان نامش را در جدول اکبران مشاهده کردند! این رفتار غیرسینمایی که باعث سبقت برخی از کارگردانان از یکدیگر نیز می‌شود، ریشه‌هایی نیز در فیلم‌های‌شان دارد؛ مسئله‌ای که باعث می‌شود مسائل نه در متن فیلم، بلکه به واسطه پُرگویی‌های دیالوگی، در فرامتن‌های فیلم دست‌وجو شود.

از اولین علانی که هر مخاطب می‌تواند به وضوح آن را در این دست فیلم‌ها ببیند، بی‌مسئله‌بودن فیلم است. وقتی کارگردانی موضوعی شکل نگرفته در جامعه را دستمای فیلم خود می‌کند و مخاطبان تمام کاراکترها را در آبژگی محض و انفعال از سوی خالق اثر می‌بینند، سعی می‌کنند با فاصله فیلم را ببینند و هیچ چسبندگی‌ای جز بازی بازیگران و دیالوگ را نخواهند داشت. در سال‌های اخیر این دست فیلم‌ها برای کاراکتر اصلی فیلم به طرز عجیبی خانواده و تشکیل

کارباز را مانع پیشرفت، آرامش و آزادی‌های خود می‌دانست؛ نوبسندده برای اینکه به سمت تطهیر این نگاه برود، شکاله غیرواقعی از روابط خانوادگی را برای کاراکتر اصلی فیلم ترسیم کرد تا در مخاطب حالتی سمپاتیک نسبت به تصمیمات ضداجتماعی و ضدخانوادگی کاراکتر اصلی ایجاد کند. منحنی نمودار ساختارشکنی فیلم در تهاجی‌نشان دادن جامعه علیه کاراکتر اصلی اقتدر از حد عبور کرد که بهت مخاطب را برانگیخت.

کاراکتر اصلی در تمامی طول فیلم داشت با دشمن فرضی که نویسنده از جامعه حقیقی برای او ساخته بود، دست‌وپنجه نرم می‌کرد. واگذاری دختر از سوی پدر، خودکشی دختر و ضدیت دختر یا به سن گذاشته بازواج، چون باعث افزایش مشکلاتش می‌شود! تمامی این گره‌ارها در مقیاس اجتماعی هیچ مایه‌ازایی ندارد و برخی از آنها نیز کاملاً عکس است، مانند همین مسئله ازدواج. مرد که عاشقانه دختر را دوست داشت و تمکن مالی نیز داشت و می‌توانست تمام مشکلات زن را حل کند و اصلاً دیگر نیازی به ساخت چنین فیلمی هم نمی‌شد، این سبوی دختر پس زده، موضوعی که در انتهای فیلم با شرط طلاق توانست موجبات خوشبختی کاراکتر اصلی را فراهم آورد.

طلاقی که عامل جدایی ز زوجین و متضرر شدن بیشتر زن در جامعه می‌شود، به عنوان عامل خوشبختی زنان دکوپا می‌شود! همین موضوع است که نشان‌دهنده عدم‌انطباق دال مرکزی فیلم با واقعیت است و در نتیجه به مخاطب حقتنه می‌شود. طلاق مسئله‌ای است که با وجود این مسئله بعدی که فیلم روی آن تمرکز داشت، جدایی و تنها زندگی کردن است. تفرّد، در عین حالی که همراه با تباطات اجتماعی سالم باشد، باعث آرامش و ثبات در زندگی خواهد شد، اما در اینجا علت تامة خوشبختی معرفی شده است! فیلم می‌گوید حتی اگر در جامعه مرد خوبی باشد که تو را دوست داشته باشد و تو نیز حسن‌نیت او را یافته باشی، بازهم زندگی با او را انتخاب نکن و «تنها» زندگی خود را با یک فرزند از بهز پستی که باز «تنها» حاصل شده است، ادامه ده! چنین زنی در جامعه چگونه بدون پشتوانه میان بسیاری از حوادث و ناملایماتی که روح یک زن را می‌آزارد و خرد می‌کند، توانایی زیستن دارد؟ از ابتدا در فیلم دیدیم که تمام گرفتاری‌های زن اصلی به خاطر همین تنهایی اجتماعی است، اما سازنده دارد آن را به اسم: «پدر، همسر و مادر سنتی» فاکتور می‌کند تا بتواند آن را به خدمت فرامتن‌های ساخته ذهنش در آورد. ضدیت با خانواده و تشکیک آن و رفتن به سمت کلونی‌های کوچک خانوادگی غیرمتعارف یک کلان‌پروژه علیه حکمرانی فرهنگی کشور است.



رضالمصیری کارشناس و منتقد سینما